

# چون مور دانه کش باشیم



نوشته: محمد حیدری

## جیک جیک مستونت بود...

در یکی از روزهای زمستان سال ۶۸ برای خرید چند شیر آب و واش به خیابان سعدی رفته بودم، در بازگشت، نش خیابان سعدی و انقلاب چشمم به وبترین یک بقالی افتاد. این نه وبترین یک بقالی ایرانی، که وبترین «فری شاپ» یک فودگاه بین‌المللی بود. به جز شیشه‌های مشروب الکلی، همه آن چیزهایی که در فری شاپ‌ها عرضه می‌شود، در آن وبترین چیده شده بود.

از آن زمان توجهم به واردات بی‌رویه کالاهای لوکس و غیر ضروری جلب شد. هر جا می‌رفتم، دنبال اجناس وارداتی می‌گشتم و می‌کوشیدم سیاهه‌ای از این کالاها تهیه کنم و بفهمم این اقلام مصرفی لوکس از چه منبعی وارد می‌شود، چه کسانی وارد می‌کنند، چه گونه پخش می‌شود و چه کسانی خریدار آن‌ها هستند.

در سال ۶۹ که کتاب ناخوانده سیاست خصوصی سازی، دروازه‌های باز و تعدیل اقتصادی را بر ایمنان با برنامه‌ریزی قبلی و زیرکی قابل ستایشی ورق به ورق، و در فواصل زمانی مشخصی می‌خواندند متوجه شدم منبع کالاها از کجاست؟. ارز هست، دروازه‌ها هم باز است و آن‌ها که تجارت و سود را مقدم بر همه چیز می‌دانند وارد می‌کنند و می‌فروشند و اسکناس‌های بی‌پشتوانه هم به هر حال در دست این و آن هست که برای خرید این کالاها پرداخت شود و...

در سال ۷۰ وقتی کتاب ناخوانده سیاست خصوصی، دروازه‌های باز و تعدیل اقتصادی به فصل مربوط به تأمین منابع ارزی رسید فهمیدم ما قرض نمی‌کنیم، وام نمی‌گیریم و زیربار منت این و آن نمی‌رویم، اما در عوض به صورت «یوزانس» می‌خریم آن‌ها هم چه خریدنی!

این جا بود که دوریالی کج آدم اقتصاددانان و فارغ از سیاسی چون من هم افتاد و متوجه شدم ما گنجشگانی هستیم که پس از یک زمستان سرد (۸ سال جنگ و ویرانی) به بهار کاذبی که کمپانی‌های چند میلیتی و بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بر ایمنان ساخته‌اند قدم گذاشته‌ایم و سرمست از دانه‌های فراوانی که در قالب اعتبارات گوناگون نسیه‌ای این جا و آن جا ریخته‌اند می‌خوریم و می‌آشامیم و غافل از زمستانی که در راهست، بر سر شاخه‌های موقیبت ظاهری و وفور و رونق می‌نشینیم و جیک جیک می‌کنیم، و بعضی مامان هم چهچه سر می‌دهیم.

## یاد زمستونت بود؟

پس از کش و قوس‌های سال ۷۱ و ۷۲ سرانجام طلبکاران بین‌المللی با استمهال ما در مورد بدهی‌یمان موافقت کردند و مسئولین مربوطه همین اواخر - اوایل خرداد - اعلام کردند بدهی‌های ما در ۶ سال آینده بازپرداخت خواهد شد.

و این هم البته از نوع همان جیک جیک کردن‌هاست. هنوز پائیز است و به زمستان نرسیده‌ایم. اگر بخوایم تصویری از زمستان را در ذهن مجسم کنیم باید به گزارش‌هایی نظیر گزارش موقت زیر بها بدهیم:

«... اگر قرار باشد داروهای که در سال ۷۲ با ارز سوئیدی تهیه می‌شد در سال ۷۳ هم تهیه شود، میزان ارز سوئیدی مورد نیاز با احتساب ۱۰٪ رشد حدود ۴۲۷ میلیون

دلار خواهد بود. این در حالی است که کمبود شدید دارو در سال گذشته را پذیریم. اگر قرار باشد این کمبود برطرف شود و فقط کمبود را ۱۰٪ فرض کنیم (در حالی که به مراتب بیشتر است) ارز سوئیدی مورد نیاز ۴۷۰ میلیون دلار خواهد بود، در حالی که در سال جاری ارز سوئیدی دارو و شیرخشک فقط ۳۷۰ میلیون دلار (۴۰۰ میلیون دلار ارز تخصیصی منهای ۳۰ میلیون دلار ارز هیأت امانه) است بنابراین مجبوریم ۱۰۰ میلیون دلار از ارز شناور استفاده نماییم. حال اگر معادل یکصد میلیون دلار از داروهای وارداتی ساخته شده با ارز شناور وارد شود قیمت آن‌ها بین ۲۵ تا ۳۰ برابر افزایش خواهد یافت، اگر داروهای ساخت داخل را با ارز شناور تأمین کنیم بطور متوسط سه برابر افزایش قیمت خواهند داشت ولی اگر آنتی‌بیوتیک‌ها که ارزبری بیشتری دارند را کماکان با ارز سوئیدی تهیه نماییم در این صورت بقیه اقلام داروئی حدود دو برابر افزایش قیمت خواهند داشت بنابراین پیشنهاد وزارتخانه در حد کار کارشناسی دقیق و با در نظر گرفتن جمیع جهات و مصالح کشور این است که از ارز سوئیدی تخصیصی در سال ۷۳ به ترتیب زیر استفاده کنیم:

۲۰۰ میلیون دلار برای داروهای ساخته شده وارداتی

۱۲۰ میلیون دلار برای آنتی‌بیوتیکها

۵۰ میلیون دلار شیرخشک

۳۰ میلیون دلار هیأت امانه

جمع ۴۰۰ میلیون دلار

بدین ترتیب کلیه داروهای ساخت داخل به غیر از آنتی‌بیوتیک‌ها با ارز شناور تأمین خواهد شد. لازم به تذکر است که در سال گذشته ۱۹۳ قلم از داروهای ساخت داخل و متجاوز از ۶۰ قلم از داروهای ساخته شده خارجی با ارز شناور تهیه شده‌اند که تغییر نخواهند کرد.

آنچه که مزید بر علت کمبود دارو شده به شرح زیر است:

از ۱۹۷ میلیون دلار ارز گشایش یافته برای مواد اولیه داروهای تولید داخل در سال گذشته ۱۲۰ میلیون دلار آن به علت [عدم] پرداخت بدهی‌های معوقه بانکی حمل نشده است (اگر اقدام عاجلی صورت نگیرد در دو تا سه ماه آینده کلیه کارخانجات داروئی کشور به علت نداشتن مواد اولیه داروئی تعطیل خواهند شد. در تاریخ ۷۳/۲/۲۰ لیست پرداخت‌های معوق مربوط به سالهای قبل که در کامپیوتر بانک مرکزی تا تاریخ مذکور ثبت شده بود ۴۳۱ مورد اعتبار معوق به این وزارت اعلام گردید در صورتی که درخواست‌های متعدد جدیدی از آن موقع تاکنون از طرف شرکتهای داروئی واصل گردیده که اعتبارات معوق اعلام شده جزو لیست ارسالی بانک مرکزی نبوده است. این امر سبب شده است که اغلب فروشندگان خارجی حمل کالا را منوط به پرداخت بدهی‌های معوقه نموده و مواردی از آن‌ها کالاهای در حال حمل را از بین راه برگردانده و مواردی که به گمرک ایران هم رسیده از ارسال مدارک جهت ترخیص تا پرداخت اعتبارات معوقه امتناع ورزیده‌اند.

به عنوان مثال:

از ۲۸ میلیون دلار گشایش اعتبار شرکت داروسازی لقمان در سال گذشته فقط ۷ میلیون دلار آن به کالا مبدل گردیده و در شرکت داروسازی رازک برای تولید کپسول و قرص فقط حدود ۲/۵ ماه برای شربت‌ها حدود ۱۵ روز و برای پمادها ۳/۵ ماه ماده اولیه وجود دارد.

در شرکت کیمیدارو از ۳۳ قلم دارو فقط ۱۱ قلم را حداکثر تا چهار ماه تولید خواهند کرد. در شرکت جابریان فقط برای دو ماه برای تهیه انواع ویسالیهای تزریقی آنتی‌بیوتیک وجود دارد.

به دلایلی که گذشت اکنون وضعیت داروئی کشور به حالت یک مشکل فوق‌العاده حاد درآمده است که حتی در زمان جنگ تحمیلی نیز چنین وضعیتی وجود نداشت. بحران جدی و بروز فاجعه جبران‌ناپذیر در آینده نزدیک در صورتی که چاره خیلی فوری اندیشه نشود قطعی است...

در یک زمستان سرد اعضای یک خانواده که پولی اندک دارند که شاید فقط کفاف نان بخور و نمیرشان را بدهد چه باید بکنند؟ آیا صلاح است در حالی که سوختی برای گرم کردن مسکن خود و پشت سر گذاشتن زمستان بیدارگر ندارند به بحث و مجادله بپردازند، مرتباً از در بیرون بروند و داخل شوند و اجازه دهند جریان هوای منجمدکننده، همان اندک گرما و امید داخل خانه را بی اثر کند، یا آنکه صلاحشان در این است که تنگ هم بنشینند، یکدیگر را تحمل کنند و شرایطی فراهم آورند تا گرمای بدن‌ها و دل‌هایشان در چهاردیواری خانه اندک حرارتی از امید بوجود آورد.

ملت ایران نیز خانواده بزرگی است. و من به عنوان عضوی از این خانواده پیشنهاد می‌کنم درها، پنجره‌ها و روزنه‌ها را ببندیم. به نان اندکی که داریم بسازیم. نیروهایمان را هدر ندهیم و بکشیم از آن مقدار انرژی ذخیره مانده در پیکره‌هایمان برای حفظ وحدت خانواده‌مان بهترین و درست‌ترین بهره‌گیری بشود.

دولت کفیل این خانواده است. این کفیل باید در سیاست دخل و خرج خود تجدیدنظر کند. باید حساب این درآمد اندک را دینار به دینار داشته باشد. مأمور خرید را یا عوض کند، و یا وادار کمترین و ارزان‌ترین را بخرد. کفیل باید پند گرفته باشد که هر فرصتی را نپذیرد و اگر کسی در طول این زمستان در خانه ما را زرد و خواست از سر لطف به ما قرض بدهد، اول مطمئن شود این قرض دانه‌ای نیست که در پس آن دامی نهفته باشد.

اگر چنین کنیم زمستان سپری خواهد شد و بهار خواهد آمد. در بهاری که دیگر «جیک جیک مستونت بود، یاد زمستونت بود؟» مصداق نخواهد یافت. از ظواهر امر برمی‌آید که دولت هم متوجه شده که در صحنه اقتصاد بلبل بی‌خیال چمن‌زار مصنوعی سیاست‌هایی نظیر تجارت آزاد و دروازه‌های باز بودن به صلاح کشوری چون ایران نیست و همان به که ما چون مور دانه کش عمل کنیم.

## شرکتهای معظم صد هزار تومانی!

به این آگهی که در روزنامه رسمی کشور چاپ شده توجه فرمائید:

آگهی تأسیس شرکت مهندسی...

شرکت فوق در تاریخ ۲۲/۲/۷۳ تحت شماره..... در این اداره به ثبت رسید. و خلاصه شرکت‌نامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌شود:

۱- موضوع شرکت: خدمات فنی - مهندسی - شیمی از جمله انواع لاینیک و کوتینگ باربار، سیمان، سرامیک و رزینهای گوناگون. واردات - صادرات - تولید - خرید و فروش پخش کلیه کالاهاى مجاز اخذ نمایندگی از شرکتهای کارخانجات مجاز داخلی و خارجی. مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی در رابطه با موضوع شرکت.

۲- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان..... خیابان..... نیش کوچه...

۳- سرمایه شرکت مبلغ: ۱۰۰۰/۰۰۰ ریال

۴.....

یک شرکت با سرمایه صد هزار تومان تشکیل می‌شود و می‌خواهد آن همه کارها را انجام دهد. جل‌الخالق! صد هزار تومان این همه برکت دارد؟

گمان نکنیم که موضوع به همین یک شرکت ختم می‌شود. تنها در یک شماره روزنامه رسمی آگهی ثبت ۲۲ شرکت صد هزار تومانی چاپ شده است، همه این شرکتهای هم به محدوده فعالیت کمتر از یک کمپانی چند میلیتی قانع نیستند. جز این، سهامداران بعضی از این شرکتهای از کل سرمایه اولیه ۳۵٪ یعنی ۳۵ هزار تومان را برداشته‌اند و بقیه را جزو «تعهدات» شرکت آورده‌اند! به محدوده فعالیت پیش‌بینی شده برای یکی از این شرکتهای که سی و پنج هزار تومان سرمایه واریز شده آن است توجه فرمائید:

«موضوع شرکت: الف. رشته کارهای عمومی بدین شرح کارهای عمومی راهسازی - آبیاری و زهکشی - ابنیه. ب. رشته کارهای اختصاصی برج، ابنیه فلزی سنگین - ابنیه سنگین بتنی - اسکله و بندر سازی و احداث تونل و لوله کشیهای بزرگ برای انتقال مواد نفتی و آب و تزریق سیمان و شمع ریزی و کارهای اختصاصی فونداسیون و رنگ آمیزی سندپلاست و حفاظت کاتودیک - مطالعات فنی و طرح و نظارت و مشارکت با سایر شرکتهای و واردات و صادرات کلیه لوازم و دستگاهها و

مصالح و ماشین‌آلات و غیره و انجام کلیه عملیاتی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با موضوعات بستگی داشته باشد.»

این شرکتهای صد هزار تومانی و سی و پنج هزار تومانی با چه هدف و چه نیتی دایر می‌شوند؟

یک فرض این است که دایرکنندگان شرکت‌ها سرمایه اولیه را اندک ذکر می‌کنند، و بعد در جریان عملیات، آمار و ارقامی ارائه می‌دهند که با حجم گردش مالی و سود حاصله از این عملیات انطباق ندارد. و به شرحی که دانی و دانم و دارائی و بیمه بهتر از من و تو دانند، با حساب‌سازی در دو نوع دفتر (یکی دفاتر خصوصی و یکی دفاتر پلمپ شده) از پرداخت مالیات، بیمه و سایر حقوق دولتی فرار می‌کنند.

این یک فرض است. فرض دوم را می‌توان در آگهی‌هایی نظیر مورد زیر جستجو کرد.

آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست و ضمانت به آقایان ۱- حبیب ۲- سعید ۳-

صمد شهرت همگی... کلاسه پرونده ۳۰۳۰۷۲۰۲

وقت رسیدگی ۷۳/۷/۱۳ ساعت ۸/۳۰

خواهان: بانک تجارت

خواسته: مطالبه ۴۵۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال با خسارات

خواهان دادخواستی تسلیم دادگاههای حقوقی یک تهران نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۱۲ ارجاع گردیده و وقت رسیدگی تعیین شده به علت مجهول‌الامکان بودن خواندگان به درخواست خواهان، دستور دادگاه و تجویز ماده صد قانون آئین دادرسی مدنی مراتب سه نوبت متوالی در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران و یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خواندگان ظرف سه ماه به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمانت را دریافت نمایند...

از این قبیل آگهی‌ها که خواهان آن‌ها بانک‌های مختلف کشور هستند در مطبوعات فراوان چاپ می‌شود.

ارتباطی بین آن شرکت‌های صد هزار تومانی و سی و پنج هزار تومانی با این آگهی‌ها وجود دارد یا ندارد؟

اگر بخواهیم حقیقت را انکار کنیم خود را گول زده‌ایم. همه تشکیل‌دهندگان چنین شرکتهایی با هدف کلاهبرداری شرکت صد هزار تومانی تشکیل نمی‌دهند، اما کافی است دو - سه درصد آن‌ها چنین نیتی داشته باشند (که دارند) و نتیجه آن می‌شود که دادگاههای ما فرصت سرخاراندن نداشته باشند! مسؤولان دادگستری و اداره ثبت شرکتهای بهتر از هر کسی می‌دانند قوانین ما برای تشکیل شرکتهای، و نحوه تشخیص صلاحیت و اهلیت تشکیل‌دهندگان آن‌ها تا چه حد نارساست.

مسؤولان بانک‌ها نیز می‌دانند این قبیل شرکتهای صد هزار تومانی و سی و پنج هزار تومانی چه در درسهایی بوجود آورده‌اند و چه پول‌هایی را بالا کشیده‌اند.

از طرفی باید متوجه این اصل بود که داشتن سرمایه کلان نباید شرط اصلی حضور در فعالیتهای اقتصادی تلقی شود، زیرا ای بسا افراد مستعد، خلاق و مبتکری هستند که با اندک سرمایه شخصی و کمکه‌های مشروعی که از طریق پرداخت اعتبارات در اختیار آنان قرار می‌گیرد می‌توانند چرخ یک تولید و یا یک فعالیت اقتصادی را به گردش در آورند.

نکته مهم و اساسی این است که ضوابط پرداخت اعتبارات به این قبیل متقاضیان باید آنقدر حساب شده و دقیق باشد که افرادی نتوانند نظیر مورد ذکر شده در آگهی بالا را تکرار کنند.

به آگهی و متن آن بار دیگر دقیق شویم تا در بیایم افراد کلاهبردار از چه نقطه ضعف‌هایی برای رسیدن به مقصود سوءاستفاده می‌کنند.

با توجه به این که به جریان افتادن این قبیل پرونده‌ها (از مهلت‌های بانک و صدور اخطاریه گرفته تا اعلام شکایت به دادگستری و طی مراحل مختلف قانونی) دو - سه و حتی گاه چهار سال طول می‌کشد تا آگهی ابلاغ قانونی مربوطه در جراید چاپ شود.

اگر حداقل زمان را در نظر بگیریم اعتبار چهار و پنج میلیون و پانصد هزار تومانی آگهی فوق دو سال قبل به متقاضیان پرداخت شده است. با توجه به قدرت خرید این مبلغ در آن زمان این سؤال پیش می‌آید که چنین رقم هنگفتی با اتکاء به کدام وثیقه یا ضامن و یا سند مالکیت پرداخت شده است؟